

دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان‌ها، درس ششم

بیرون از سایه‌های تاریخ، اسطوره‌زدایی © ۲۰۲۴ کوین فردریک و تد هیلدبرانت

این دکتر کوین فردریک است در تدریسش در مورد تاریخ والدنسیان. این جلسه شماره شش است، بیرون از سایه‌های تاریخ، اسطوره‌زدایی.

متن این موعظه از اول تیموتائوس ۱، آیات ۳ تا ۵ است. به کلام خدا گوش فرا دهید. همانطور که در راه مقدونیه انجام دادم، از شما در آنجا نیز درخواست می‌کنم که در افسس بمانید تا به برخی افراد دستور دهید که هیچ تعلیم دیگری ندهند و خود را با افسانه‌ها و نسب‌نامه‌های بی‌پایان که به جای تربیت الهی که از طریق ایمان شناخته می‌شود، گمانه‌زنی‌ها را ترویج می‌دهند، مشغول نکنند. اما هدف چنین تعلیمی، محبتی است که از قلب پاک، وجدان پاک و ایمان خالص سرچشمه می‌گیرد.

کلام خداوند. شکر خدا. پولس این سخنان را به شاگرد خود تیموتائوس نوشت تا به او و دیگر نوکیشان ایمان به مسیح در مورد اهمیت تمرکز بر رابطه خود با مسیح هشدار دهد، نه اینکه درگیر طرز فکر تأکید بر شجره‌نامه شخصی یا داستان‌های اسطوره‌ای در مورد منشأ که در ایمان به مسیح بی‌اساس بودند، شود.

انجام این کار به معنای تلاش برای اثبات اعتبار خود بر اساس شجره‌نامه یا دستاوردهای برجسته بود، نه بر اساس ایمانی مبتنی بر عشق به خدای سه‌گانه که از طریق لطف و رحمت عیسی مسیح آشکار شده است. در بررسی ریشه‌های جنبش والدنسیان، اساساً دو روایت جایگزین از روایت تاریخی اصلی وجود دارد که ریشه در زندگی والدز دارند. علاوه بر این، در هر روایت جایگزین، چندین گونه‌ی مختلف وجود دارد که معمولاً دانشجویان تاریخ را گیج می‌کند.

تأسیس جنبش والدوسی با داستان‌های ریشه‌داری همراه است که شامل اشاره به آموزه‌های یک اسقف کاتولیک مستقل از تورین در قرن نهم به نام کلود می‌شود. همچنین روایتی قدیمی‌تر وجود دارد که قدمت آن به داستان کنستانتین در قرن چهارم میلادی برمی‌گردد. در ابتدا به داستان هدیه کنستانتین به کلیسا می‌پردازیم.

گفته می‌شود کنستانتین در زمان مرگش، نیمی از امپراتوری روم را در اوایل قرن چهارم میلادی به پاپ سیلوستر وصیت کرده بود. شایان ذکر است که تحقیقات تاریخی نشان داده است که داستان اهدای کنستانتین خود یک افسانه بوده است. این داستان در اصل توسط کلیسای کاتولیک روم در قرن هشتم میلادی به عنوان وسیله‌ای برای توجیه کسب ثروت و دارایی قابل توجه کلیسا در برابر منتقدانی از درون و بیرون کلیسای روم ساخته شده است.

این اسطوره روایی که در ابتدا در قرن هشتم ساخته شد، صدها سال بعد توسط مؤمنان والدوسیایی شاخ و برگ یافت تا بر ریشه‌های آنچه که توسط والدوسیایی‌ها به عنوان یک انشعاب باستانی در کلیسای اولیه در مخالفت با کلیسای کاتولیک روم تعریف می‌شد، تأکید کند. کلیسای کاتولیک روم، دستیابی به ثروت و قدرت فراوان را پذیرفته و از آن بهره‌مند شده بود. و بنابراین آنها می‌گویند که پاپ‌های روم جانشینان پطرس رسول نیستند، بلکه جانشین کنستانتین هستند. اسطوره اهدای کنستانتین بیشتر اصلاح شد تا وجود یک بقایای کمتر شناخته شده، کوچکتر اما وفادار از کلیسا را نشان دهد که بر اهمیت تمرکز بر خدمت خدمتگزاری مسیح که با نذرهای فقر و فروتنی مشخص می‌شود، تأکید داشت.

افسانه اصلاح‌شده اهدای کنستانتین از اواخر قرن سیزدهم به صورت شفاهی توسط بیرون والدوسی به طور گسترده منتشر شد. این افسانه به شرح زیر نشان داده شده است: کلیسا تا زمان اهدای کنستانتین مقدس

بود، زمانی که سیلوستر اول اهدای او را پذیرفت، در حالی که یکی از همراهان سیلوستر از پذیرفتن آن خودداری کرد و او را ترک کرد.

به تدریج، بخش بزرگتر کلیسا به ورطه شر افتاد در حالی که بخش کوچکتری از کلیسا در حقیقت باقی ماند. این اولین مرحله از توضیح مخالفت با روم، منشأ تاریخی انشعاب کلیسای مقدس کوچکتر در زمان اهدا است و مرحله بعدی توسط والدوسیای رهبری می‌شود، هرچند لزوماً با آنها هم‌مرز نیست.

کسانی که به این داستان منشأ اشاره می‌کنند، به این باور پایبند هستند که شهادت بی‌وقفه کلیسای حقیقی از عصر رسولان تا شهادت وفاداران گروه نسبتاً کوچکی از مسیحیان که خود پیروان واقعی مسیح، یعنی اجداد والدوسیای، بودند، ادامه داشته است. قدیمی‌ترین تاریخ ثبت‌شده در تاریخ این افسانه در منبعی به نام کتاب برگزیدگان یافت می‌شود که در سال ۱۳۶۷ نوشته شده است. رساله ۱۳۶۷ به تفصیل به شکافی در کلیسای روم در زمان اهدای کمک مالی پرداخته است، زمانی که نیمی از ثروت امپراتوری روم که توسط کنستانتین در سال ۳۲۵ اهدا شده بود، به کلیسای روم داده شد.

گفته می‌شود که این شکاف در کلیسا بین سیلوستر اول، که ثروت و زمین را از امپراتور کنستانتین پذیرفته بود و آن تعداد کمی از مؤمنان که به فقر اعتراف کرده و مایل به باقی ماندن در کلیسای خالص بودند، رخ داده است. کتاب برگزیدگان، اعمال کسانی را که در جایگاه حواریون بودند، بازگو می‌کرد و این امر با پژواک‌های عمدی از اعمال حواریون برجسته می‌شود. صدها سال است که مشخص کردن دقیق داستان ریشه‌های قوم والدوسی دشوار بوده است.

این امر تا حدودی به این دلیل است که بخش زیادی از تاریخ ثبت‌شده‌ی والدوسیای توسط کلیسای روم به عنوان مدرکی دال بر ارتداد آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعداً پس از پایان محاکمه توسط بازجویان سوزانده می‌شد. ما به بررسی حقایق تاریخی پیرامون ریشه‌های داستان والدوسیای می‌پردازیم. مدت‌هاست که مشخص شده است که والدز، والدو اهل لیون، در سال ۱۱۷۲، مبتکر جنبش والدوسیای بوده است.

داده‌های تاریخی کافی برای تأیید وجود او و خدمتی که آغاز کرد، وجود دارد، خدمتی که از قحطی‌ای که منطقه اطراف لیون را تحت تأثیر قرار داد، پدیدار شد. همچنین شواهدی وجود دارد که احتمال وجود یک منبع زمینه الهیاتی بین پیروان والدو و آموزه‌های کلود تورین، که در سال ۸۱۷ در کلیسای کاتولیک روم به عنوان اسقف تورین منصوب شد، را نشان می‌دهد. کلود یک رهبر مسیحی انجیلی صریح بود که دانشجوی زیرک و نکته‌سنج کتاب مقدس بود.

کلود بر اساس تفسیر خود از کتاب مقدس در هر دو عهد، با پرستش تصاویر مقدس در مذهب کاتولیک مخالفت کرد. او در پی حذف آنها از تمام کلیساهای قلمرو اسقف خود بود. او این آموزه، توجیه ایمان، را موعظه می‌کرد.

کلود همچنین برزخ و پرستش آثار باستانی را رد کرد و اثربخشی زیارت‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای توبه رد کرد. همانطور که کلود تصاویر مقدس مورد احترام را در کلیساهای درون اسقف‌نشین دور انداخت، گفت اگر مردم می‌خواهند صلیب را به خاطر اینکه مسیح بر آن آویزان است، پرستند، باید آخور را نیز به خاطر اینکه در آن خوابیده یا الاغ را به خاطر اینکه بر آن سوار شده است، پرستند. هیچ مدرک یا سند تاریخی وجود ندارد که ارتباط تاریخی مستقیمی بین آموزه‌های کلود و ظهور والدو و فقرای لیون در قرن دوازدهم ارائه دهد.

این احتمال وجود دارد که کاتولیک‌های رومی در منطقه پیمونت در شمال ایتالیا، باورهای غیرمتعارف اما از نظر کتاب مقدس دقیق کلود را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده باشند. با این حال، بدون هیچ سند تاریخی که شباهت‌های اعتقادی و عملی کلود و بعدها والدو و آرنولد برشیا را نشان دهد، نمی‌توان به راحتی استنباط

کرد که کلود مستقیماً بر والدو و آرنولد تأثیر گذاشته است. شباهت‌های اعتقادی به احتمال زیاد با مطالعه همان منبع اعتقادی، در درجه اول انجیل‌های عهد جدید و نامه‌های پولس، به دست آمده است.

بیش از ۳۰۰ سال پس از کلود، آرنولد اهل برشیا شروع به جمع‌آوری جوامع کوچک در منطقه لومباردی در اطراف میلان، مجاور اسقف‌نشین تورین، کرد. آرنولد نزد پیتر آبلارد تحصیل کرده بود و شروع به ساختن مدل ایمان و جامعه مسیحی بر اساس شاگردی مسیح و تقسیم اموال با همسایگان کرد. آرنولد آموزه‌های کلیسای اولیه را، همانطور که در کتاب اعمال رسولان آمده است، با دقت مطالعه کرد.

او از مطالعات خود، یک جامعه ایمانی جایگزین برای کلیسای ثروتمند کاتولیک رومی و باورها و اعمال آن سازماندهی کرد. اگرچه نمی‌توان اسقف کلود را به عنوان یک والدنسیان طبقه‌بندی کرد، اما استنتاج‌های موازی اعلامیه‌های او به عنوان یک اسقف کاتولیک رومی با باورهای مسیحی والدنسیان‌ها غیرقابل انکار است و این احتمال همچنان وجود دارد که باورهای کلود بر آرنولد و پیروانش در توسعه جوامع ایمانی خود تأثیر گذاشته باشد. ضمناً، شایان ذکر است که در طول قرن بیستم، کلیسای والدنسیان در ایتالیا، انتشارات رسمی خود را به پاسداشت شهادت کتاب مقدس اسقف کلود تورین، کلودیانا پرس نامگذاری کرد.

این یک ارتباط ایمانی است که امروزه عمیقاً توسط والدوسی‌های معاصر ارزشمند است. حداقل می‌توان حدس زد که چندین اصل از باورهای والدوسی با آموزه‌های اسقف کلود در قرن هشتم شباهت‌هایی دارد. با این حال، ادعای وجود یک جامعه سازمان‌یافته از مؤمنان که از زمان اسقف کلود آغاز شده و از قرن نهم تا قرن دوازدهم، زمانی که والدو خدمت خود را آغاز کرد، دست‌نخورده، متمایز و جدا از کلیسای کاتولیک باقی مانده است، همچنان یک فرضیه کاملاً بی‌اساس است.

اکنون توجه خود را به چرایی خلق این اسطوره‌ها معطوف می‌کنیم. نشانه‌هایی وجود دارد که نویسنده ناشناس کتاب برگزیدگان، نیاز جامعه‌ای را که هنوز به شدت بر ارتباط شفاهی متمرکز بود، به یک متن مکتوب از تاریخ والدوسیایی تشخیص داده است. این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که به خاطر سپردن و انتقال شفاهی آن به عنوان یک ابزار آموزشی آموزنده برای آن دسته از والدوسیایی‌هایی که در این زمان در سراسر اروپای غربی پراکنده بودند، آسان باشد.

، آنها به تاریخی نیاز داشتند که به راحتی و بدون تکیه بر متن مکتوب قابل خواندن باشد. در طول تاریخ مفتشان کاتولیک رومی مرتباً اسناد، نوشته‌ها و کتاب‌های والدوسیایی را از بین می‌بردند و سنت شفاهی را برای حفظ ریشه‌های والدوسیایی‌ها حتی مهم‌تر می‌کردند. با گذشت نسل‌ها، فرصت فزاینده‌ای برای آزادی بیشتر در بازسازی گذشته فراهم شد.

این رویکرد منجر به درج اصلاحات متعددی در اسطوره‌ها شد، زیرا نسل‌های بعدی سعی کردند ریشه‌های ایمان خود را به عقب برگردانند. کتاب برگزیدگان سندی بسیار کوتاه و شاعرانه بود. برخی از آن با عبارات ریتمیک منقطع نوشته شده است که تندترین آنها در طول شمارش زندگی والدز بود.

هم اختصار متن و هم ریتم، نشان دهنده متنی است که عمداً برای حفظ کردن نوشته شده است. روایت موجود در کتاب برگزیدگان اساساً ابزاری مفید برای توجیه پذیرش نذر فقر و پاکدامنی به همراه دعوت به موعظه و چگونگی نقش مؤثر آنها در زندگی واعظ سیار والدوسیایی بود. این کتاب همچنین در تلاش خود برای تشویق همه پیروان به پایداری در مواجهه با آزار و اذیت کلیسای کاتولیک روم آموزنده است، زیرا کلیسای اولیه حواریون با آزار و اذیت امپراتوری روم روبرو شده بود و بدین ترتیب مشروعیت برداشت والدوسیایی‌ها را از خود به عنوان بازماندگان وفادار کلیسای واقعی در مقابل کلیسای کاتولیک روم ثروتمند تأیید می‌کند.

از زمان تأسیس دادگاه‌های تفتیش عقاید در قرن سیزدهم و در طول موج‌های متوالی آزار و اذیت‌های مورد تأیید کلیسا، روایتی که خود را بازمانده واقعی کلیسا توصیف می‌کرد، شهادت وفادارانه آنها را حفظ کرد. اصلاحات بعدی افسانه‌های کنستانتین به سیلوستر را می‌توان با مشاهده تغییرات در نسخه‌های بعدی کتاب برگزیدگان ردیابی کرد. والدز در قرن دوازدهم، و با این حال تا قرن چهاردهم هیچ سابقه‌ای از نام کوچک منسوب به والدز وجود ندارد.

در اولین ویرایش کتاب برگزیدگان در سال ۱۳۶۷، والدس قرن دوازدهم برای اولین بار با نام حواری پیتر معرفی می‌شود. تا سال ۱۴۲۰، در ویرایش بعدی کتاب برگزیدگان، مردی به نام پیتر والدس برای اولین بار به عنوان معاصر پاپ سیلوستر قرن چهاردهم معرفی شد. در آن ویرایش، ادعا شده است که پیتر والدس بنیانگذار جنبش والدسیان نبوده، بلکه به عنوان یکی از همراهان سیلوستر معرفی شده است که در زمان اهدای عضو حافظ کلیسای واقعی شد و عملاً به پیوند بین والدس و پیروانش از زمان تأسیس اعمال رسولان اشاره دارد.

همچنین، در اوایل قرن پانزدهم، نسخه خطی دیگری از والدوسیان نوشته شد که برخی از نوشته‌های موعظه‌آمیز را به یک کاردینال کاتولیک رومی به نام پیتر والدز نسبت می‌داد. از هر یک از این نمونه‌های تاریخ تجدیدنظرطلبانه، به راحتی آشکار می‌شود که داستان‌هایی که منشأ والدوسیان را بیان می‌کنند، در طول قرن‌های چهاردهم و پانزدهم بارها و بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند. اما برای درک عمیق‌تر دلایل این تجدیدنظرها در تاریخ شاهد والدوسیان، باید نگاهی دوباره به نقشی که آزار و اذیت صدها سال ایفا کرده است، بیندازیم.

در طول یک نسل، پس از آنکه جنبش والدنسی و پیروان آن توسط کلیسای کاتولیک در سال ۱۲۱۵ به عنوان بدعت‌گذار معرفی شدند، کلیسا خشم خود را از طریق یک سیستم دادگاه کلیسایی بسیار سازمان‌یافته به نام تفتیش عقاید، که در ابتدا برای از بین بردن بدعت دوگانه کاتاریسم ساخته شده بود و از آن زمان خشم کامل خود را علیه پیروان والدو معطوف می‌کرد، متوجه والدنسی‌ها کرد. در طول ۳۰ سال بعد، تفتیش عقاید به طور گسترده ایجاد کتابچه‌های راهنمای کتبی را که توسط پاپ در بین همه بازجویان توزیع می‌شد، سازماندهی و استاندارد کرد. در تلاش برای یکپارچه‌سازی پیگرد قانونی مؤثر تفتیش عقاید، سرانجام تفتیش عقاید منحصرأ به فرقه کاتولیک سنت دومینیک واگذار شد.

در دوران دومینیکن‌ها، کلیسای کاتولیک ابزار بسیار مؤثری برای به محاکمه کشیدن همه بدعت‌گذاران داشت. دومینیکن‌ها تلاش‌های کلیسا را با قضات مدنی برای مجازات بدعت‌گذاران هماهنگ می‌کردند، که اغلب با اعدام و سوزاندن در آتش انجام می‌شد. در طول دهه ۱۴۸۰، پاپ اینوسنت هشتم، که خود پیش از پاپ شدن به عنوان بازپرس خدمت کرده بود، خواستار یک جنگ صلیبی مقدس علیه والدوسی‌ها شد.

با این کار، او تمام خشم کلیسا را برای ریشه‌کن کردن کامل هر مؤمن والدنسی به کار گرفت. جنگ صلیبی والدنسی، تحت رهبری اسقف کاتانو، تمرکز خود را بر جوامع والدنسی در منطقه آلپ کوهن متمرکز کرد و تنها تا حدی موفق بود. با این حال، این جنگ پیامدهای ویرانگری بر هزاران قربانی والدنسی داشت که با آزار و اذیت‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی آن مواجه بودند.

از زمان تشکیل دادگاه‌های تفتیش عقاید تحت نظر دومینیکن‌ها، که از اواسط قرن سیزدهم به بعد آغاز شد، نه تنها اموال هزاران والدنسی مصادره و به کاتولیک‌های رومی فروخته شد، بلکه بسیاری از والدنسی‌ها شکنجه و اغلب به دلیل اعتقاداتشان سوزانده می‌شدند. کلیسای کاتولیک معتقد بود که با سوزاندن اجساد مردگان، هنگام بازگشت مسیح برای ظهور مجدد، هیچ بدن فیزیکی برای رستاخیز وجود نخواهد داشت. در روزهای اولیه تفتیش عقاید، آنها حتی اجساد کسانی را که پس از مرگشان به عنوان والدنسی شناسایی می‌شدند، می‌سوزاندند.

کودکان والدنسیان اغلب توسط کشیشان کاتولیک رومی و رهبران کلیسا از خانواده‌هایشان دزدیده می‌شدند و توسط کلیسا برای پذیرش آموزه‌های کاتولیک رومی تربیت می‌شدند. این آزار و اذیت‌ها صدها سال فشار زیادی بر کل جنبش والدنسیان و زندگی هر مؤمن والدنسیان وارد کرد. کتاب برگزیدگان، به عنوان وسیله‌ای برای تقویت ایمان رهبران و مؤمنان در آزار و اذیت بزرگ، با ارتباط مستقیم خود با آموزه‌های عیسی و جوامع ایمانی اولیه رسولی، به تقویت میراث ماندگار جنبش والدنسیان کمک کرد.

پیتر بیلر در تأمل بر فهم اسطوره‌ای تاریخ والدنسیان می‌نویسد که تاریخ را می‌توان به روشنی به خاطر سپرد، اما همچنین می‌توان آن را در گذر زمان و ترفندهای حافظه ساده‌سازی و با هم ترکیب کرد و در عین حال که از منشور ذهن یک دوست عبور می‌کند، به طرق مختلف رنگ‌آمیزی و زاویه‌بندی کرد. همه این اشتقاق‌ها در نهایت نشان‌دهنده استفاده گسترده از تاریخ در آن دوران برای تسلی دادن به مؤمنان در طول رنج و ناامیدی آزار و اذیت است. ماهیت شجاعانه و اعظان والدنسیان، باربا، و جوامع پراکنده ایمانی آنها نه تنها در برابر آزار و اذیت بی‌رحمانه کلیسای کاتولیک روم مقاومت کرد، بلکه بعداً بیش از ۵۰۰ سال در برابر حملات نظامی هماهنگ سازماندهی شده توسط پادشاه ساووی، ملت فرانسه، جان سالم به در برد و از ۳۳ آزار و اذیت سازمان‌یافته جان سالم به در برد.

در طول آن دوره زمانی، تأکید باربا بر تلفیق فروتنی مسیح و ایمان متمرکز بر لطف خدا و عیسی مسیح بود که مردم والدنسیان را در تلاش‌هایشان برای پایبندی به ایمانشان هدایت می‌کرد. اسطوره‌های باستانی تحت چنین شرایط فوق‌العاده نامطلوبی تکامل یافتند و برای واعظان والدنسیان و پیروانشان ضروری شدند تا ایمانی قوی و ملموس داشته باشند که بتوانند حتی در لحظه مرگ به آن پایبند باشند. بدون اعتقاد به تقدس آرمان خود و بدون حس ارتباط مستقیم با مسیح و شاگردان اصلی او، جنبش والدنسیان، تحت نسل‌ها فشار بی‌رحمانه، به همان راهی می‌رفت که هر جنبش دیگری در قرون وسطی می‌رفت، جنبشی که توسط کلیسای کاتولیک روم به عنوان بدعت‌گذار شناخته می‌شد.

در طول دهه‌های اول اصلاحات پروتستانی، همزمان با تثبیت اعتبار و مشروعیت پروتستانیسیم، تعداد قابل توجهی از محققان پروتستان، با الهام از افسانه‌های پیرامون خاستگاه والدنسیان، به آنها به عنوان اجداد مذهبی خود اشاره کردند. پروتستان‌ها به والدنسیان به عنوان پیشگامان ایمان خود می‌نگریستند و آنها را حافظان کلیسای حقیقی می‌دانستند. جان لژه و ساموئل مورلند، مورخان اولیه والدنسیان، در تألیفات خود از تاریخ والدنسیان در اوایل قرن هفدهم، به افسانه‌های فراوان پیرامون خاستگاه آنها اشاره کردند.

آنها با استفاده از ابزارهای علم تاریخ‌نگاری، آنطور که در زمان و مکان خودشان فهمیده می‌شد، اولین آثار مهم تاریخی ثبت‌شده از جامعه والدنسیان را تدوین کردند. هر دو مورخ، در تلاش برای حفظ تاریخی معتبر، به شدت به تاریخ شفاهی منتقل‌شده از نسل‌های گذشته متکی بودند. در آن زمان، ترکیب دقت تاریخی با باورهای تاریخی دیرینه و در عین حال بی‌اساس در مورد هویت شخصی، که در موارد مخفی‌کاری، انزوای جغرافیایی و آزار و اذیت پدیدار می‌شد، یک روش تاریخ‌نگاری قابل قبول بود.

امروزه، تاریخ به عنوان شاهدهی معتبر عمل می‌کند که جنبش والدنسیان تنها جنبش مسیحی بود که توسط کلیسای کاتولیک روم بدعت‌گذار تلقی می‌شد و تا دوران مدرن نیز پابرجا مانده است. این قوم والدنسیان به رهبری واعظان خود، باربا، بودند که پیش از اصلاحات پروتستانی، به طور مؤثر و دقیق بر انتقال آموزه‌های عیسی و تأثیر زندگی، مرگ و رستاخیز او به عموم مسیحیان متمرکز داشتند. در طول آن دوران، والدنسیان‌ها هنگام نوشتن نامه به تیموتائوس، شاهدهی وفادارانه بر اساس کتاب مقدس از آموزه‌های عیسی و دستورات عمل‌های رسول پولس بودند.

هدف چنین آموزه‌ای، عشقی است که از قلبی پاک، وجدانی پاک و ایمانی خالص سرچشمه می‌گیرد. جوهره چنین باورها و اعمالی، امروزه نیز مانند هر عصر دیگری، در هسته یک شاهد مسیحی وفادار باقی مانده است. به نام پدر، و پسر، و روح القدس.

آمین. من دکتر کوین فردریک هستم در تدریسش در مورد تاریخ والدوسیان. این جلسه شماره شش است. بیرون از سایه‌های تاریخ، افسانه‌زدایی.